

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۳۱ مارچ ۲۰۱۶

حداقل دستمزد کارگران و تأثیر آن بر وسعتگیری مرداب فقر و فلاکت در جامعه!

شورای عالی کار جمهوری اسلامی همچون سال های قبل، در اسفند ماه [حوت] امسال، حداقل حقوق کارگران را تعیین و اعلام نمود. بر اساس این تصمیم که در اسفند ماه [حوت] ۹۴ اعلام شد، حداقل حقوق کارگران برای سال ۱۳۹۵ برابر ۸۱۱ هزار و ۶۸۰ تومان در ماه تعیین شده است.

شورای عالی کار مدعی است که بر اساس ماده ۴۱ قانون کار حداقل حقوق کارگران را به نسبت نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تعیین نموده و از آن جا که نرخ تورم از سوی بانک مرکزی ۱۴ درصد اعلام شده، آن ها نیز حقوق حداقل کارگران را به همین نسبت افزایش داده اند. در نتیجه حداقل دستمزد ماهانه کارگران که در سال ۱۳۹۴ معادل ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان در ماه بود، با ۱۴ درصد افزایش به عدد فوق رسیده است.

اما تنها نگاهی به وضعیت زندگی کارگران و کاهش روزانه قدرت خرید آن ها به دلیل افزایش روزمره بهای کالاهای مورد نیازشان - که با شتابی چند برابر تورم ادعائی بانک مرکزی رشد می کند - روشن می کند که ادعای تورم ۱۴ درصد با واقعیت انطباق نداشته و دروغی بیش نیست. از سوی دیگر ماده ۴۱ قانون کار که مورد استناد چنین تصمیم ضد کارگری قرار گرفته، دو بند دارد. در بند یک افزایش دستمزد بر اساس نرخ تورم در نظر گرفته شده، و در بند دوم این قانون آمده است که: "حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید."

بنابراین از نظر همین قانون کار ضدکارگری هم یکی از معیار های تعیین حداقل دستمزد کارگران، تأمین "زندگی یک خانواده" اعلام شده که در جمهوری اسلامی ۴ نفر را شامل می شود. اما، با در نظر گرفتن رقم ۸۱۱ هزار و ۶۸۰ تومان به عنوان حداقل دستمزد در حالی که این مبلغ عملاً چند برابر زیر خط فقر اعلام شده از سوی نهاد های حکومتی می باشد، واضح است که با این مبلغ نمی توان زندگی یک خانواده کارگری را تأمین نمود. تازه باید به این امر توجه کرد که بانک مرکزی جمهوری اسلامی خط فقر برای یک خانوار چهار نفره در سال ۹۴ را ۲.۵ میلیون تومان اعلام کرده است در حالی که خیلی از کسانی که به عنوان فعالان کارگری در ایران فعالیت می کنند خط فقر را با در نظر گرفتن تورم سال ۹۵ برای این سال رقمی حدود ۳/۵ میلیون تومان در ماه اعلام کرده اند.

عدم پابندی جمهوری اسلامی به قانون خود در ارتباط با تعیین حداقل دستمزد برای کارگران یک بار دیگر این حکم را ثابت می کند که این رژیم به مثابه رژیم دیکتاتور و حافظ منافع سرمایه داران داخلی و خارجی حتی قوانین خود ساخته خویش را که ممکن است اندکی به نفع کارگران باشد، نیز اجراء نمی کند. اساساً این واقعیت مهم را باید همواره به یاد داشت و روی آن تأکید کرد که در رژیم های وابسته به امپریالیسم نظیر جمهوری اسلامی که دیکتاتوری جزء ذات آن هاست ، حتی اگر در شرایط خاصی قوانین نسبتاً خوبی هم تدوین شوند تا زمانی که چنین رژیم هائی بر سر کار اند، هیچ "قانون" و "حقی" حتی اگر ظاهراً هم به رسمیت شناخته شود از تعرض قدرت دولتی در امان نخواهد بود.

شکی نیست که با حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار جمهوری اسلامی برای سال ۹۵، در شرایطی که این شورا با استناد به آمار های قلابی، عملاً دستمزد کارگران را در حدی تعیین نموده که چند برابر زیر خط فقر می باشد، عملاً طبقه کارگر با شتاب هر چه بیشتری به فقر مرداب فقر و فلاکت کنونی پرتاب خواهد شد. بنابراین در شرایطی که از یک طرف سرمایه داران خارجی و داخلی در ایران به کمک رژیم حامی شان جمهوری اسلامی، امسال هم، چون سال های قبل با شدت هر چه بیشتری از استثمار نیروی کار کارگران سودهای کلانی را به جیب خواهند زد ، از طرف دیگر در همان حال با دستمزد تعیین شده - که تازه هیچ تضمینی هم برای پرداخت آن وجود ندارد - گرسنگی و مرگ تدریجی چشم انداز زندگی میلیون ها تن از کارگران محروم ایران و خانواده های شان در سال آینده خواهد بود؛ اما نه فقط این، بلکه در نتیجه تشدید استثمار و عدم پرداخت مزدی به کارگران که تکافوی حداقل نیازهای زندگی آن ها را بنماید ، امسال نیز خانواده های کارگری در وسعت باز هم بیشتری از هم خواهند پاشید و کارتن خوابی و زندگی توأم با فقر و فلاکت غیر قابل توصیف و نکبت بار در حاشیه شهرها در جامعه ایران ابعاد باز هم بیشتری به خود خواهد گرفت.

اندیشمند کبیر طبقه کارگر، کارل مارکس ثابت کرده است که: "سرمایه، کار مرده ای است که مانند خفاش فقط با مکیدن کار زنده، جان می گیرد و هر چه بیشتر کار زنده بکند بیشتر به زندگی ادامه می دهد". این جمع بندی از واقعیت سرمایه به طور مؤثر ماهیت نظام سرمایه داری را هر چه عیان تر در مقابل چشم کارگران قرار می دهد. کار زنده کارگر به واقع برای سرمایه دار ارزش اضافی تولید می کند و سرمایه دار با به جیب زدن این ارزش اضافی است که امکان بقاء یافته و با حفظ نظام سرمایه داری از طریق حکومتی که مدافع منافع اوست بر زندگی کارگران و دیگر آحاد جامعه حکم می راند. تنها با از بین بردن نظام سرمایه داری و پایان دادن به سیستمی که سرمایه در آن به مثابه یک خفاش خون کارگران را می مکد کارگران می توانند با نیروی کار خود نه فقط برای طبقه خویش بلکه برای کل جامعه رفاه و آسایش به وجود آورند. در نتیجه تا زمانی که سیستم سرمایه داری برقرار است نصیب کارگران جز فقر و بدبختی چیز دیگری نیست.

در سیستم سرمایه داری، سرمایه دار برای تأمین سود هر چه بیشتر برای خود تا آن جا که می تواند شرایط کاری وحشیانه ای را به کارگران تحمیل می کند و کارگران برای زنده ماندن و تأمین یک زندگی حداقل برای خود مجبوراند در مقابل سرمایه داران ایستاده و برای افزایش دستمزد و تأمین شرایط کاری بهتر برای خود مبارزه کنند. در این سیستم، مبارزه برای بالا بردن حداقل دستمزد ، مبارزه بحق و عادلانه کارگران می باشد. هر چه صفوف کارگران فشرده تر و منسجم تر و متحد تر باشد ، آن ها قادر خواهند بود در مبارزه با سرمایه داران سطح دستمزد ها را بالاتر نگاه دارند و به عکس هر جا همچون جامعه ایران صفوف کارگران پراکنده و آن ها فاقد سازمان های صنفی و سازمان سیاسی در پیوند با خود باشند ، طبعاً فشار سرمایه دار بیشتر و شدت استثمار وحشیانه تر خواهد بود. به طور کلی، حد و حدود افزایش دستمزدها در این نظام نشان از توازن قوای فی مابین کارگران در مبارزه شان با سرمایه داران دارد. با

توجه به چنین واقعیاتی، کارگران ما باید در حالی که که همواره برای کسب خواست های آنی و از جمله افزایش دستمزد شان مبارزه می کنند ، باید بدانند که تا زمانی که مبارزه آنان با سرمایه داران ، منجر به نابودی سیستم سرمایه داری نگردد ، آن ها از استثمار و شرایط غیر انسانی که توسط این سیستم بر آن ها تحمیل می شود خلاصی نخواهند یافت.

تجربه نشان می دهد که تحت سلطه رژیم های وابسته به امپریالیسم که دیکتاتوری و عدم پابندی به قانون با آن ها عجین می باشد ، مبارزه کارگران برای تثبیت قانونی حتی در ارتباط با ساده ترین مطالبات آن ها تنها با سرنگونی این رژیم ها یعنی به واقع با از بین رفتن سلطه امپریالیستی در جامعه ما امکان پذیر می باشد. در شرایط کنونی ، جمهوری اسلامی به مثابه رژیم پاسدار نظام سرمایه داری وابسته حاکم، اصلی ترین کانال سلطه امپریالیستی در جامعه ماست و سرنگونی این رژیم قدم اول برای تحقق خواست های کارگران می باشد. ماهیت این رژیم چنان است که حتی مبارزه برای دستمزد به طور اجتناب ناپذیر طبقه کارگر را در مقابل کل حاکمیت قرار داده و آن ها را مجبور به مبارزه برای سرنگونی کلیت این رژیم می کند. بکوشیم مبارزات خود را همراه با طبقه کارگر ایران در این راستا پیش ببریم.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۶ ، اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۴